

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسمه تعالی



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ی روانشناسی و علوم تربیتی

عنوان پایان نامه:

تاثیر الگوی خراشکاری بر عزت نفس دانش آموزان پایه ششم ابتدایی

استاد راهنما: سرکار خانم دکتر مفیدی استاد مشاور: آقای دکتر مهاجر

پژوهشگر:

ایمان امیری، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ی آموزش و پرورش ابتدایی

بهار ۱۳۹۲

تقدیم به:

پدر و مادری که دلیل بودن، ماندن و حرکتیم هستند، آنانکه می‌شاید سفیدی گرفت تا رویم سفید بماند. و برادران و خواهرانم که

در همه حال همراه و یاورم بوده‌اند.

تقدیم به نامزد مهربانم که سنگ صبورم بوده، سختی‌های راه زندگی را برایم هموار ساخته‌اند

و تقدیم به همه‌ی کودکان ایران زمین...

باشد که آینده‌ی کشور را درخشان سازند

تقدیر و تشکر:

انجام این پژوهش را مدیون انسانهای بزرگی هستم که محبت و خضوع را معنا کرده اند.

استاد بزرگوار و عزیز خانم دکتر فرخنده مفیدی استاد راهنما که در تمام مراحل کار با راهنمایی‌های عالمانه خویش تحمیر را در هر چه بهتر شدن

پژوهش یاری رسانند؛

استاد محترم آقای دکتر سحی مہاجر، که به عنوان مشاور این با مشاوری دقیق، همیشه کمک حال من بودند؛ و استاد ارجمند

جناب آقای دکتر جمال الدین کولایی ترا در به عنوان استاد داور

همچنین از دوست عزیزم آقای محمد انیان که وجودشان به من درس بردباری آموخت و سایر دوستانی که در انجام این پژوهش یاری -

ام کردند صمیمانه تشکر و قدردانی میکنم.

از درگاه ایزد منان آرزوی تندرستی و توفیق روز افزون را برای این عزیزان خواستارم.

چکیده:

این پژوهش به بررسی تأثیر اجرای الگوی خراشکاری بر بهبود عزت نفس دانش آموزان پایه ششم ابتدایی دبستان های دخترانه و پسرانه آموزش و پرورش شهر پلدختر می پردازد. برای این منظور ۶۰ نفر دانش آموز در پایه ششم ابتدایی (۲۷ پسر و ۳۳ دختر) به صورت تصادفی انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل (۳۰ نفر در گروه آزمایش و ۳۰ نفر در گروه کنترل) قرار گرفتند. سپس با استفاده از پرسشنامه تجدید نظر شده ی کوپراسمیت متغیر عزت نفس هر دو گروه آزمایش و گواه سنجیده شد. در ادامه کودکان گروه آزمایش طی ۱۳ جلسه (هر جلسه به مدت ۱ ساعت) آموزش الگوی خراشکاری را دریافت نمودند. یافته ها نشان داد که اجرای این الگو می تواند بر ارتقای عزت نفس دانش آموزان تأثیر معناداری بگذارد. همچنین مشخص گردید که در میان دختران و پسران شرکت کننده در این برنامه از نظر ارتقای عزت نفس تفاوت معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی:

عزت نفس، نقاشی سرد، خراشکاری، هنر تلفیقی، خلاقیت

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات پژوهش

شماره صفحه	عنوان مطلب
۱.....	مقدمه.....
۳.....	بیان مسئله.....
۷.....	اهداف پژوهش.....
۷.....	اهمیت و ضرورت پژوهش.....
۹.....	تعاریف نظری و عملی متغیرها.....

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه ی پژوهش

۱۱.....	الف: عزت نفس.....
۱۲.....	تعریف و تفاوت بین عزت نفس و اعتماد به نفس.....
۱۳.....	تفاوت بین عزت نفس و خود پنداره.....
۱۵.....	اهمیت عزت نفس.....
۱۵.....	چگونگی شکل گیری عزت نفس.....
۱۶.....	ثبات یا تغییر عزت نفس.....
۲۱.....	ابعاد عزت نفس.....
۲۲.....	عوامل مؤثر بر عزت نفس.....
۲۴.....	ب: هنر.....
۲۴.....	تعریف و مفهوم هنر.....

۲۵.....	تاریخ و قدمت هنر.....
۲۶.....	دیدگاه ها در خصوص هنر.....
۲۷.....	کارایی های هنر.....
۳۴.....	سیر تحول آموزش هنر در دبستان های ایران.....
۳۵.....	اصول راهنمای برنامه درسی هنر.....
۳۷.....	فرصت ها و تهدیدهای آموزش هنر.....
۴۰.....	انواع هنر.....
۴۱.....	نقاشی.....
۴۲.....	کارکردها و اهداف تربیتی نقاشی.....
۴۵.....	وسایل و ابزار نقاشی.....
۴۶.....	کاردستی.....
۴۷.....	نقش کاردستی و تأثیر آن بر کودکان.....
۴۸.....	نقش مربی در مؤثر بودن کلاس هنرهای تجسمی.....
۴۹.....	ویژگی های تدریس هنرهای تجسمی در مدارس.....
۵۰.....	نقاشی روی شیشه.....
۵۱.....	اسکراچ برد - خراشکاری.....
۵۲.....	انواع خراشکاری.....
۵۶.....	کاربرد سوزن خراش و ابزار تهیه ی آن.....
۵۷.....	نکات مورد توجه در خراشکاری به وسیله ی کودکان.....

تحقیقات انجام شده..... ۵۸.....

جمع بندی..... ۶۴.....

فصل سوم: روش شناسی پژوهش

جامعه مورد پژوهش..... ۶۶.....

روش اجرای پژوهش..... ۶۷.....

متغیرهای تحقیق، روش اندازه گیری و اجرای آنها..... ۶۷.....

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل اطلاعات

تجزیه و تحلیل اطلاعات:..... ۷۳.....

الف: یافته های توصیفی..... ۷۴.....

ب: یافته های استنباطی..... ۷۵.....

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

فرضیه های اول و دوم..... ۷۸.....

فرضیه سوم..... ۸۱.....

محدودیت های پژوهش..... ۸۲.....

پیشنهاد های کاربردی و پژوهشی پژوهش..... ۸۲.....

فهرست جداول

- جدول ۴-۱: توزیع فراوانی دانش آموزان دو گروه آزمایش و گواه به تفکیک جنسیت..... ۷۴
- جدول ۴-۲: شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد میانگین) متغیر عزت نفس برای گروهها (آزمایش و کنترل) در پیش آزمون و پس آزمون و به تفکیک جنسیت..... ۷۴
- جدول ۴-۳: اطلاعات توصیفی مربوط به نمرات اختلافی عزت نفس دانش آموزان پسر..... ۷۵
- جدول ۴-۴: نتایج آزمون t مستقل جهت مقایسه میانگین نمرات عزت نفس دانش آموزان پسر..... ۷۶
- جدول ۴-۴: نتایج تحلیل واریانس دوره مقایسه میانگین نمرات عزت نفس برحسب گروه (آزمایش و کنترل) و جنسیت (دختر و پسر)..... ۷۶
- جدول ۴-۵: اطلاعات توصیفی مربوط به نمرات اختلافی عزت نفس دانش آموزان دختر..... ۷۶
- جدول ۴-۶: نتایج آزمون t مستقل جهت مقایسه میانگین نمرات عزت نفس دانش آموزان دختر..... ۷۷
- جدول ۴-۷: نتایج تحلیل واریانس دوره مقایسه میانگین نمرات عزت نفس برحسب گروه (آزمایش و کنترل) و جنسیت (دختر و پسر)..... ۷۷
- نمودار ۴-۱: نمودار میانگین نمرات اختلافی عزت نفس به تفکیک جنسیت (دختر و پسر)..... ۷۸

فهرست منابع:

- منابع فارسی: ۸۳
- منابع لاتین: ۸۸

پیوست ها

- ۱- محتوای جلسات آموزش خراشکاری..... ۹۰
- ۲- مراحل ساخت ابزار کار..... ۱۰۱
- ۳- تصاویر خراشکاری بر روی کاغذ و شیشه..... ۱۰۲
- ۴- پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت ۱۰۵

فصل اول:

کلیات پژوهش

فصل اول: کلیات پژوهش

مقدمه

آینده ممالک امروز در گرو فرزندان و مکانی است که برای رشد و پرورش آنان تدارک می‌بینند (آیزنر، ۱۹۹۱، مهرمحمدی ص ۷).

دوران کودکی از نقشی حساس و تعیین کننده در زندگی انسان برخوردار است. توجه به این دوران تا آنجاست که اولاً، کودکی از جانب روانشناسان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت غالباً به عنوان برجسته ترین مرحله در تکوین شخصیت انسان شناخته شده است. ثانیاً؛ وجود تعارضات، اختلالات و نابسامانی‌های روانی در این سنین را از عوامل اساسی در بروز مشکلات سراسر زندگی دانسته‌اند (دادستان، ۱۳۸۴).

از سویی انقلاب اطلاعاتی و الکترونیکی و انفجار دانش امروز، امکان پیش بینی دانش‌های لازم برای برخورد مؤثر با شرایط محیطی را با مشکل روبه رو ساخته است. امروز دیگر توانایی عضلانی عامل تسلط نیست؛ بلکه توانایی ابداع، نوآوری و فن‌آوری دانش، معیار سنجش قدرت است. تنها مزیت رقابتی انسان در عصر رایانه، خلاقیت است (عزیز زاده، ۱۳۸۶).

شخصیت‌های خلاق، به سبب برخورداری از ویژگی‌های شخصیتی مطلوبی مانند اعتماد به نفس، استقلال اندیشه، نوآوری و ... که در وجود خود محقق ساخته‌اند، در حل بسیاری از معضلات روانی- اجتماعی جامعه‌شان مؤثر واقع خواهند آمد و بدین ترتیب نه تنها می‌توانند مانع پسرفت جامعه‌شان در شرایط متحول جهان کنونی شوند، بلکه راه تعالی آن را در دستیابی به سوی توسعه‌ای انسانی هموار خواهند ساخت.

عزت نفس به عنوان مؤلفه‌ای در بعد شخصیتی خلاقیت، یکی از نیازهای اساسی روانی است و نقش بسیار تعیین کننده‌ای در سلامت، سعادت و پیشرفت هر فرد و ملتی دارد، و عبارت از درجه‌ی تصویب، تأیید، پذیرش و ارزشمندی است که شخص نسبت به خویشتن احساس می‌کند. منشأ پیدایش عزت نفس، نگرش فرد نسبت

به خود می‌باشد و این نگرش نیز در سایه ی ارتباط فرد با دیگران، بویژه ارتباط فرد با افراد مهم زندگی‌اش در دوران کودکی، به وجود می‌آید (کلانتری و همکاران، ۱۳۷۷).

ما بیشتر اعتماد به نفسمان را از دیگران و از طریق ارزیابی درک آنان نسبت به خودمان بدست می‌آوریم. نحوه-ی رفتار دیگران با ما نشان دهنده‌ی چگونگی تفکر و احساس آنها نسبت به ماست. هر کودک همان قدر برای خودش احترام و ارزش قائل است که توسط مربیان، والدین و دیگر افراد مهم زندگی‌اش مورد احترام، ارزش و محبت واقع می‌شود (دادستانی، ۱۳۷۵).

هر کس از خود یک طرح یا تصویر ذهنی دارد که بر اساس باورهایی که از خویش دارد ساخته شده است. این باورها در اثر تراکم تدریجی تجارب گذشته، موفقیت‌ها، شکست‌ها، قضاوت‌ها و تعامل او با دیگران خصوصاً والدین و همسالان در دوران کودکی ساخته شده است. تصور ذهنی، پایه و بنیادی است که تمامی شخصیت و رفتار انسان بر اساس آن شکل می‌گیرد و تجربه‌های فرد، تصاویر ذهنی او را تأیید و تقویت می‌کند (شولتز & شولتز، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۱).

تسلط بر محیط و دستکاری اشیاء، موفقیت در انجام فعالیت‌های تربیتی و خدمات انسانی، سازمان دادن و متشکل ساختن اشیاء، افکار و اشخاص، رسیدن به سرعت عمل و استقلال و فائق آمدن بر سختی‌ها در رسیدن به اهداف موردنظر، موجب احساس لذت در انسان می‌شود. آثار این انگیزه از دوران کودکی مشهود است. کودک از کسب موفقیت در انجام امور مورد علاقه‌اش احساس شادمانی می‌کند. برخورداری از چنین تجربه‌های خوشایندی او را در انجام امور دیگر فعالیت‌ها ترغیب می‌کند (میرزابیگی، ۱۳۷۳. ص ۳۸).

هنر به عنوان یکی از واسطه‌های تربیت برخلاف بسیاری از برنامه‌های درسی که جواب‌های صحیح و قوانین رسمی را آموزش می‌دهند، بیشتر به ارزیابی و قضاوت می‌پردازد تا آموزش قوانین و دستورات عرفی و رایج. هنر

به عنوان عاملی برای باور ما از سوی دیگران (فلسفی، ۱۳۹۰)، وسیله‌ای است که کودک به وسیله‌ی آن نقش واقعی خود را در جهان دریافته، شخصیت خود را پرورش می‌دهند (ادیب‌نیا، ۱۳۸۹).

بررسی جنبه‌های آموزشی هنر، حاکی از نقشی است که می‌تواند در آموزش مفاهیم و معارف گسترده، علوم مختلف و موضوعات متنوع درسی داشته باشد. نقش پرورشی آن را می‌توان در ایجاد سهولت در امر یادگیری و فراهم آوردن شرایط لازم جهت ایجاد تغییرات مطلوب در ابعاد مختلف شخصیت و رفتارهای کودکان جستجو کرد (میرزاییگی، ۱۳۸۶). هنرهای مختلف اعم از هنرهای تجسمی، نمایشی، تصویری و ... واسطه‌هایی برای ابراز وجود هنرمند و انتقال معنا و محتوا از طریق صورت هستند. به همین دلیل اثر هنری قبل از مخاطب، بر وجود هنرمند اثرگذاری دارد و در او جوشش به وجود می‌آورد (میرزاییگی، ۱۳۸۶).

هنر به هنرمند «نگاه مجموعی» می‌دهد و همین نکته است که زندگی هنرمند و اهل هنر را متنوع و جذاب می‌کند. سختی‌ها و تلخی‌های زندگی مربوط به بی‌هنری است. اگر زندگی انسان با هنر آمیخته شود و هنر در زندگی جایگاه مناسب پیدا کند، بسیاری از تلخی‌ها و یأس‌ها از بین می‌رود.

با توجه به مطالب بیان شده و اهمیت موضوع، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر الگوی تلفیقی هنر (خراشکاری) بر عزت نفس دانش‌آموزان پایه‌ی ششم ابتدایی شهر پلدختر می‌پردازد، به این امید که راهگشای پژوهش‌های بعدی در این راستا بوده، بتواند نتایج مفیدی برای دانش‌آموزان این مقطع و مقاطع دیگر به بار آورد.

بیان مسئله:

اگر زمانی محتوای آموزشی، انتقال دانش به نسل بعد بود، امروزه پیشرفت دانش و انقلاب اطلاعاتی، سبب شده است که عمر مفید آخرین یافته‌های علمی به سرعت تنزل یافته، هر پنج سال یکبار میزان دانش بشر به دو برابر افزایش یابد (جنکل، ۱۹۹۴). از این رو پیش‌بینی اینکه چه دانش‌هایی برای برخورد مؤثر با محیط لازم است، به شکل فزاینده‌ای با مشکل روبرو خواهد شد (قاسم زاده، ۱۳۷۵)، بنابراین آموزش و پرورش باید نقش سازشی

خود را به نقشی زایشی تغییر داده (شهرآرای، ۱۳۷۵)، به آموختن یادگیری و روش یادگیری بپردازد (کینگ و اشناپدر، ترجمه خوارزمی، ۱۳۷۳) و بدین سان به تربیت انسان‌هایی نائل آید که برای اندیشیدن، نوآوری، شناخت و مقابله با ناشناخته‌ها و موقعیت‌های دشوار آماده شوند (قاسم زاده، ۱۳۷۵).

در این میان بعد شخصیتی خلاقیت (شامل مؤلفه های عزت نفس، اراده‌ی مستقل، پذیرش خطر، پذیرش تجربه، استقبال از ابهام و کلنجر رفتن) همچون مرکبی است که تفکر خلاق بر آن می‌نشیند؛ درست مثل اندیشه که گاهی بر زبان جاری می‌شود و زمانی بر قلم (پیرخائفی، ۱۳۸۴).

علاوه بر اهمیت روز افزون مسئله ی خلاقیت و بطور ویژه ابعاد شخصیتی آن، کودکان، نوجوانان و جوانان؛ در شرایطی وارد نظام آموزش و پرورش می‌گردند که به لحاظ روانی از حداکثر آمادگی ممکن نسبت به پذیرش القائات اولیای آموزش و پرورش خویش برخوردارند (مایلی، ترجمه منصور، ۱۳۶۸)، این در حالی است که برخی واقعیات حکایت از آن دارد که آموزش و پرورش در خیلی از نقاط جهان نه تنها در راستای تحقق تربیت افراد خلاق و با عزت نفس بالا برنیامده است، بلکه به سبب تکیه افراطی و مفرط به محفوظات شاگردان گاه در پسرفت ذهنی آنها مؤثر بوده است.

بررسی‌ها پیرامون موضوع، مهمترین مسئله مرتبط با خلاقیت را، محور شخصیتی خلاقیت معرفی می‌نماید؛ چرا که در حوزه‌ی انگیزشی به جهت جنبه‌ی کلامی داشتن شیوه‌ی آموزش، کار چندانی نمی‌توان صورت داد، و از سویی حول محور شناختی خلاقیت، تحقیقات متعدد (بای، ۱۳۹۰)، اصلانی داغی لهام، ۱۳۶۴)، معین نمینی (۱۳۸۴)، شرفی، ۱۳۷۴)، هوشفر، ۱۳۸۶)، گرگور دبیل، قادری، ۱۳۸۳) انجام شده که هر کدام به نحوی به اثر عوامل مختلف بر خلاقیت و ابعاد شناختی خلاقیت پرداخته‌اند. محور شخصیتی به دلایل دشوار بودن تأثیر گذاری عوامل در کوتاه مدت رها شده است (پیرخائفی، ۱۳۸۴).

عزت نفس به عنوان مؤلفه‌ای در بعد شخصیتی کودک، محوری است که کل زندگی‌اش روی آن خواهد چرخید. این امر از تجارب شخصی و افکار اندوخته شده شکل می‌گیرد. پرورش عزت نفس از بدو تولد آغاز می‌شود و به عنوان یک ارزیابی متغیر پیش‌رونده در طول زندگی ادامه می‌یابد. حال این نگرشی که در دوران طفولیت بر اثر ارتباط با والدین شکل گرفته، در دوران نوجوانی به موازات سایر تغییرات و تحولات جسمانی و روانی، دستخوش تغییر و تحول و حتی گاهی در معرض تردید، تهدید و خطر قرار می‌گیرد (کلانتری و همکاران، ۱۳۷۷).

اغلب کودکان پیش دبستانی عزت نفس بالایی دارند، اما هنگامی که وارد مدرسه می‌شوند و در مورد عملکرد خود در مقایسه با همسالانشان بازخورد خیلی بیشتری دریافت می‌کنند، عزت نفسشان متمایز می‌شود و به سطح واقع بینانه‌تری می‌رسد (برک، ۲۰۰۷ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۷).

از کلاس چهارم به بعد عزت نفس در اکثر کودکانی که در مورد روابط خود با همسالان و توانایی‌های خود احساس زیاد خوبی دارند، بالا می‌رود و به عکس عزت نفس کسانی که در روابط با همسالان خود احساس خوبی ندارند کاهش می‌یابد (کول و همکاران، توونگ و همکاران، ۲۰۰۱. به نقل از سید محمدی، ۱۳۸۷).

این در حالی است که، بررسی ویژگی‌های ذهنی، عاطفی و نیازهای روانی کودکان همراه با ذکر ویژگی‌ها زمینه‌های موجود در آثار و فعالیت‌های هنری، مبین ارتباط درونی کودک با پدیده‌های هنری است و این امر، علل استقبال کودکان از برنامه‌های هنری را مشخص می‌سازد. چنین ارتباطی حاکی از آن است که هنر بر کودکان تأثیراتی ویژه دارد و در یادگیری و تربیت آنان عاملی در خور توجه به شمار می‌رود.

از خصیصه‌های هنر آن است که، که به فرد کمک می‌کند با نبود امکانات کار خود را انجام داده، کار هنری را وابسته به امکانات و ابزار نداند. و اصولاً آمادگی برای مواجهه با شرایط جدید و نوآوری در محدودیت، امکان بروز پیدا می‌کند. هنرمند از وجود و تجربه‌های خود بهره می‌گیرد و اطلاعات، فنون و تکنیک‌ها را در خدمت خلاقیت قرار می‌دهد (کیومرثی، ۱۳۸۹).

کاملاً واضح است که علی‌رغم اتفاق نظر صاحب نظران تعلیم و تربیت در خصوص اهمیت و ضرورت استفاده از فعالیت‌های هنری در مدارس به عنوان ابزار مؤثر و کارآمد در امر تربیت متأسفانه در سیستم آموزش رایج ما اهمیت و ارزش اینگونه فعالیت‌ها بعضاً نادیده گرفته شده است و به طور شایسته مورد استفاده مربیان و معلمان قرار نمی‌گیرد.

سؤال مهم اینجاست که چه باید کرد؛ این هنر را چگونه باید آموزش داد تا:

- قبل از مخاطب، بر وجود هنرمند اثرگذاری داشته، در او جوشش به وجود آورد.
 - هنرمند با نبود امکانات به انجام کار و کسب موفقیت بپردازد، و کار هنری را وابسته به ابزار و امکانات نداند.
 - کودک را از نیروی عزت نفس سرشار و تبدیل به انسانی کامل، مستقل، منطقی و مفید برای جامعه نماید.
- با وجود پیشینه نظری زیادی در رابطه با تاثیر هنر بر پرورش خلاقیت، ابراز وجود، تعدیل و رفع اختلالات عاطفی، غنی‌سازی اوقات فراغت تقویت توانایی کلامی، تقویت تفکر واگرا و ... وجود این سوالات نشان دهنده عدم الگوی عمل صحیح و اجرایی جهت کسب موفقیت از سوی کودکان، دریافت بازخورد مثبت و به تبع آن عزت نفس است. هنر خراشکاری گونه‌ای از هنر است که کودک ضمن مشارکت در فعالیت لذت‌بخش به ابراز وجود پرداخته، ضمن ارائه ماحصل تلاش خود به عنوان محصولی نو و خودساخته احساس موفقیت نموده و به تقویت عزت نفس خود کمک می‌نماید. «خراشکاری»، به معنای ایجاد هر نوع طرح و نقش (بر روی کاغذ، مقوا، شیشه) و تلفیقی نمودن آن طی مراحل تزئین، تهیه قاب و نورپردازی؛ الگویی است که ضمن محترم شمردن آزادی کودکان، می‌توان آن را طی مراحل و جلسات منظمی از جمله: بحث توجیهی پیرامون اهداف دوره آموزشی و انتظارات محقق، تمرین نقاشی با موضوع آزاد، معرفی الگو و انواع آن، هنر آزاد و ارائه بازخورد، به عنوان مثال کار با مواد حاصل از طبیعت، دفن نمودن نادانی‌ها و ناتوانی‌ها، مواجهه با مسئله، آزمون و خطا و کشف راه‌حل، کار عملی خراشکاری، امتحان نمودن مواد مختلف برای شفاف

سازی تصویر، تلفیقی نمودن کار، بحث و نتیجه گیری و در نهایت انجام کار در یک جلسه، اجرایی نموده، تأثیر را بر مؤلفه‌های شخصیت سنجید.

اهداف پژوهش:

هدف کلی: بررسی تأثیر آموزش الگوی خراشکاری بر عزت نفس دانش‌آموزان پایه‌ی ششم ابتدایی.

اهداف جزئی:

۱. بررسی تأثیر آموزش الگوی خراشکاری بر عزت نفس دانش‌آموزان پسر پایه‌ی ششم ابتدایی.
۲. بررسی تأثیر آموزش الگوی خراشکاری بر عزت نفس دانش‌آموزان دختر پایه‌ی ششم ابتدایی.
۳. بررسی تفاوت اثربخشی آموزش الگوی خراشکاری بر عزت نفس دانش‌آموزان پسر و دختر پایه‌ی ششم ابتدایی.

سوال‌های پژوهش:

۱. آیا آموزش الگوی خراشکاری، بر عزت نفس دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی تأثیر دارد؟
۲. آیا آموزش الگوی خراشکاری، بر عزت نفس دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی تأثیر دارد؟
۳. آیا آموزش الگوی خراشکاری در میزان عزت نفس دانش‌آموزان پسر و دختر پایه ششم ابتدایی تفاوت معنادار ایجاد می‌کند؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

اساساً تربیت، زبانی و گفتاری نیست، بلکه باید همراه با عمل باشد. بچه‌ها غالباً پند و موعظه و تأکیده‌های گفتاری را نمی‌پذیرند و احساس ناخوشی از این تحکم برایشان ناخوشایند و نامقبول است. این نوع تربیت که بیشتر به فرماندهی و فرمانبرداری شبیه است حاصلی جز خستگی روحی ندارد. به عبارت دیگر تعلیم و تربیت بدون واسطه ممکن نیست. هنر، ادبیات و بازی یا فعالیت‌های بدنی بهترین واسطه‌ها برای تعلیم و تربیت کودکان

و نوجوانان هستند. پذیرش درونی این سه واسطه توسط کودکان و نوجوانان، دل خواه‌های مطلوب را برای ورود به باطن آنها فراهم می‌کند. مربی در چنین موقعیتی این امکان را می‌یابد که بر جان و دل آنها اثر گذار باشد (کیومرثی، ۱۳۸۹، ص. ۲۸).

در پرداختن به آموزش و پرورش، دوران کودکی از نقشی حساس و تعیین کننده برخوردار است. اهمیت دوران کودکی در شکل‌گیری شخصیت، تربیت‌پذیری و کسب علم تا آنجاست که به فرموده‌ی پیامبر گرامی اسلام (ص) فراگیری علم در کودکی همچون نقشی است که بر سنگ حک شود.

امروز دیگر در تأثیرگذاری هنر بر هنرمند و هنرجو شک نیست، هنرهای مختلف اعم از هنرهای تجسمی، نمایشی، تصویری و ... واسطه‌هایی برای ابراز وجود هنرمند و انتقال معنا و محتوا از طریق صورت هستند، به همین دلیل اثر هنری قبل از مخاطب، بر وجود هنرمند اثرگذاری دارد و در او جوشش به وجود می‌آورد.

هر فعالیت هنری بر اساس ویژگی‌های خاص تکنیکی و محتوایی خود می‌تواند نقشی متفاوت در تربیت داشته باشد، برای مثال نمایش می‌تواند تأثیراتی تربیتی بگذارد که برخی از این تأثیرات از دیگر هنرها نظیر نقاشی و خوش‌نویسی ساخته نیست یا مثلاً نقاشی تأثیراتی دارد که ممکن است نمایش آن تأثیرات را نداشته باشد (کیومرثی، ۱۳۸۹، ص ۳۰).

از سوی دیگر، ارزش هر فعالیت هنری برای دانش‌آموزان، چه در مدارس و چه در مراکز و کانون‌های تربیتی، بیشتر تحت تأثیر «هدف» و «شکل اجرا» است. اگر از مریبان تربیتی سؤال شود که هدف از اجرای فعالیت‌های هنری چیست و چه سودی برای بچه‌ها دارد؟ اغلب پاسخ خواهند داد که برای سرگرمی یا لذت بردن و ... در حالی که هنر یکی از بهترین واسطه‌های لایق برای تربیت است (همان، ص ۳۰).

یکی از خصیصه‌های هنر و هنرمند این است که با نبود امکانات، کار خود را انجام می‌دهد و ابزار و امکانات را وابسته به کار هنری نمی‌کند. اصولاً خلاقیت و نوآوری نیز در محدودیت امکان بروز پیدا می‌کند و عزت نفس

اینجاست که شکل می گیرد و تقویت می یابد. هنرمند از وجود تجربه های خود بهره می گیرد و اطلاعات، فنون و تکنیک ها را در خدمت خلاقیت قرار می دهد (کیومرثی، ۱۳۸۹ ص. ۲۱).

بررسی پژوهش ها در خصوص عزت نفس؛ از جمله تحقیقات: پوپ^۱ و همکاران، نلسون و دیوید، وایانت و پاول، هوگ و نینگ، وارن و همکاران، امامی و همکاران، بیانگر آن است که این تحقیقات اکثراً با رویکرد شناختی درمانی، به موضوع پرداخته اند، و جای تحقیقاتی که به آزمون نتایج درگیر ساختن کودکان در فعالیتهای عملی و از جمله هنر که در خصوص سازگاری آن با روحیات کودکان، نقش آن در کسب موفقیت و به تبع آن بهبود عزت نفسشان اینهمه پیشینه ی نظری داریم خالی است. بنابراین انجام تحقیقاتی با زمینه اجرایی عملی بر اساس مبانی نظری که تأثیر هنر را بر پرورش ابعاد شخصیتی و از جمله عزت نفس کودکان بسنجد ضروری به نظر می رسد. در این راستا پژوهش حاضر به بررسی تأثیر الگوی تلفیقی خراشکاری بر عزت نفس دانش آموزان پایه ی ششم ابتدایی شهر پلدختر می پردازد.

تعریف نظری متغیرها و مفاهیم:

متغیر مستقل:

اجرای هر نوع طرح روی مقواهای اسکراچ برد را خراشکاری می گویند (ناصری، ۱۳۹۱)

خراشکاری: ایجاد هر نوع طرح به وسیله ی ابزار تیز و برنده بر سطوحی مثل کاغذ، مقوا، شیشه و غیره را خراشکاری می گویند.

متغیر وابسته:

عزت نفس: عزت نفس اساساً به انتظار موفقیت آمیز بر چالش ها و رفع موانع اطلاق می شود (روزنبرگ، ۱۹۶۵).

¹ :Pope

اعتماد به نفس و یا عزت نفس قضاوت فرد درباره‌ی شایستگی خویش است که اساساً یک ویژگی شخصیتی و نه یک نگرش لحظه‌ای یا اختصاصی برای موقعیت‌های خاص است (کروزیر و همکاران ۱۹۹۹، وسک ۲۰۰۰).

تعریف عملی متغیرها و مفاهیم:

خراشکاری: طرح و نقش‌هایی که دانش‌آموزان پژوهش حاضر در طول سیزده جلسه آموزش روی کاغذ، مقوا و شیشه می‌کشند.

عزت نفس: نمره‌ای که دانش‌آموزان از آزمون ۵۸ سؤالی عزت‌نفس کوپر اسمیت، ۱۹۶۷ کسب می‌کنند.